

ساعتی با ابوذر قلاوند و دغدغه‌های محیط زیستی اش

آموزش افراد مهم‌ترین دغدغه من است

عباسعلی سپاهی یونسی | میهمان این هفته من از دغدغه‌مندان محیط زیست است. ابوذر قلاوند که آذرماه شی‌ را در روستای سرخان اندیمشک میهمانش بودم، مدیر انجمن زیست محیطی دیده‌بان زاگرس است. او از آن‌هایی است که معتقد است نباید در مسائل محیط زیست کشورمان به نقطه بدون برگشت برسیم و بگذاریم دیر بشود. برای همین بیش از ۱۰ سال قبل با جمعی از دوستان و علاقه‌مندان به محیط زیست وارد فعالیت‌های محیط زیستی شد و کارهای مختلفی از کاشت درخت گرفته تا پاک‌سازی طبیعت و... را انجام دادند، اما می‌گوید مهم‌ترین کاری که باید انجمن‌ها انجام بدهند، آموزش افراد است تا به نتیجه مطلوب برسیم.

رفتن به راه پدر

من سال ۱۳۶۲ در شهر اندیمشک به دنیا آمدم. دوره ابتدایی و راهنمایی را در همین روستای سرخان به پایان رساندم. می‌شود گفت روستای سرخان نخستین روستای منطقه ما بوده که سال ۱۳۳۶ صاحب مدرسه شد؛ دانشسرای عشایری که توسط زنده‌یاد بهمن بیگی تأسیس شد و تعدادی از علاقه‌مندان برای آموزش عشایر وارد آن دانشسرا شدند. با کوششی که زنده‌یاد بهمن بیگی انجام داد در نقاط مختلف منطقه ما و جاهایی که کلونی‌های جمعیتی منطقه بود بحث سوادآموزی به شکل جدی‌تری پی گرفته شد و پدر من هم یکی از دانش‌آموختگان همان دانشسرا بود. من برای هنرستان به شهر اندیمشک رفتم و سال ۱۳۷۹ از رشته ساختمان دانش‌آموختگان شدم.

اگر خواسته باشم از معلم‌های تأثیرگذار زندگی‌ام نام ببرم حتماً باید از آقای موسوی نام ببرم که معلم دوره ابتدایی بنده بود. آقای موسوی یک معلم بی‌نظیر بود و شکر خدا که در قید حیات است. همان طور که گفتم پدر من از دانش‌آموختگان دانشسرای عشایری بود و علاقه زیادی

هم به محیط زیست داشت یعنی زمانی که مباحث محیط زیست به شکلی که امروز ما پیگیر آن هستیم و برای بخش زیادی از جامعه به یک دغدغه تبدیل شده است جدی پیگیری نمی‌شد، ایشان به این مسائل توجه می‌کرد. مثلاً پدر من در همان زمان گونه‌های مختلف گیاهان زاگرس‌ی را در حیاط خانه کاشته بود؛ بلوط، داغ‌داغان، بنه و چندین نوع درخت و بوته دیگر. می‌شود گفت آن زمان پدر من نوعی پارک کوچک را در خانه خودمان اجرا کرده بود. به نظر فرزندان به پدر و مادر خودشان نگاه می‌کنند و خیلی وقت‌ها به همان راهی می‌روند که آن‌ها رفتند. نوع زیست پدر من هم کمک کرد تا من هم به سمت محیط زیست کشیده شوم. مثلاً پدر من به شکستن شاخه درخت و یا از بین بردن بوته‌های مختلف حساسیت فراوانی داشت و قاعدتاً دیدن این چیزها سبب می‌شد این حساسیت در من هم شکل بگیرد.

مشاهده از بین رفتن بلوط‌ها

انسان وقتی در یک محیط طبیعی رشد می‌کند و زندگی او به محیط طبیعی گره خورده است، نگاهش به زندگی تغییر می‌کند و این آدم می‌تواند تفاوت داشته باشد با آدمی که همه عمرش را در شهر و در یک آپارتمان زندگی کرده است. کسی که صبح با صدای خودروها بیدار شده است تا صدای مرغ، خروس و... فکرش را بکنید در کنار روستای ما رودخانه‌ای است به نام قیلاب که از منطقه گردشگری منگره سرچشمه می‌گیرد و یکی از سرچشمه‌های اصلی بالارد است که در نهایت به دز می‌ریزد.

شما به امروز نگاه نکنید که ما در آذر ماه هستیم اما هنوز از بارندگی در منطقه خبری نیست، روزگاری این رودخانه در طول سال و حتی در تابستان هم ما تلفات داشتیم چون آب بسیار زیادی در آن جاری می‌شد و متأسفانه گاهی هم افرادی در آن غرق می‌شدند.

اینکه من از کجا به سراغ کارهای زیست محیطی رفتم و به طور عملی به آن پرداختم، ریشه در همان کودکی‌ام دارد و ماجرایش را برایتان تعریف کردم، اما اگر بخواهم از نخستین کارهایی که انجام داده‌ام حرف بزنم باید بگویم که سال ۱۳۹۲ ما نخستین انجمنی بودیم که در شهر اندیمشک ثبت شدیم و کارمان را به طور قانونی شروع کردیم. اما پیش از اینکه ما انجمن خودمان را به طور قانونی به ثبت برسانیم هم کارهایی انجام داده بودیم.

آن فعالیت‌ها هم با دیدن از بین رفتن بلوط‌ها که نعمتی برای منطقه ما هستند شروع شد. در آن مقطع ما شاهد این بودیم که هر سال مقداری از آن‌ها با آتش سوزی از بین می‌روند یا دچار آفت‌های مختلف می‌شوند یا گاهی می‌دیدیم درخت‌های بلوط را برای درست کردن زغال از بین می‌برند. به نوعی احساس ما در آن مقطع این بود که به این جنگل‌های ارزشمند به اندازه کافی توجه نمی‌شود. برای همین با تعدادی از دوستانم فکر کردیم برای پایان دادن به این وضعیت یا حداقل کم کردن و



ببرند و نباید آن را شکار کنند.

می‌توانم بگویم مهم‌ترین تأثیری که انجمن ما و دیگر انجمن‌ها در منطقه داشته این است که جوامع محلی امروز به این نقطه رسیدند که اگر ببینند کسی در حال درست کردن زغال است یا ببینند کسی سمندر یا دیگر گونه‌های حیوانی را از بین می‌برد، خودشان دست به کار می‌شوند و از تخریب‌ها جلوگیری می‌کنند.

امروز مردم آگاه‌تر و حساس‌تر شده‌اند و این نقطه ارزشمندی است که با آموزش به آن رسیده‌ایم. در این سال‌ها ما با ده‌ها مدرسه در منطقه و شهر اندیمشک ارتباط گرفتیم تا به بچه‌ها آموزش‌های لازم را بدهیم. در بعضی از این مدارس درخت یا گل هم کاشته‌ایم. شما وقتی که یک درخت می‌کارید و شاهد بزرگ شدن آن هستید کم‌کم حس خوبی به آن پیدا می‌کنید و به این نقطه می‌رسید که نگذارید درخت از بین برود یا کسی به آن آسیب برساند و این می‌تواند آغاز راه دوست داشتن طبیعت در حوزه‌های دیگر هم باشد که برای ما در قالب ماجرای درخت یادگاری شکل گرفته است.

باید پیش از دیر شدن کاری کرد

در اندیمشک کارخانه‌های آلایندهای داریم که به دلیل جانمایی غلط در اطراف شهر معضلاتی را برای محیط زیست و مردم به وجود آورده‌اند. یعنی شهر اندیمشک شهر صنعتی نیست، اما به خاطر همین جانمایی‌های غلط امروز ما با معضلاتی در این بخش روبه‌رو هستیم. مشخصاً هم چند کارخانه وجود دارند که با آن‌ها مشکل و ماجرا داریم و از طریق انجمن پیگیر حل مسائل آن‌ها هستیم. برای برطرف کردن بعضی از این معضلات کارزارهایی هم برگزار کرده‌ایم و جالب است که کارزارهای ما در بعضی از موارد به بیش از ۲هزار امضا رسیده که دادستان قول رود به مسئله را داده است.

می‌توانم بگویم امروز یکی از مهم‌ترین معضلاتی که پیگیر آن هستیم بحث آلودگی هوای اندیمشک است؛ این معضل را هم انجمن ما و هم دیگر انجمن‌ها به طور جدی پیگیری می‌کنند چون طبق قانون، انجمن‌ها می‌توانند علیه دستگاه‌ها یا افراد اعلام جرم کنند. می‌توانم بگویم نتیجه دلخواه محیط زیستی‌ها هیچ وقت اتفاق نمی‌افتد چون ما به دنبال مدینه فاضله‌ای هستیم که خیلی ایده‌آل‌گراست. ما برای شهر اندیمشک منطقه دپوی زباله‌ها را داریم که سال‌های سال مثل غده چرکین بوده چون به علت نوع خاک منطقه شیرابه‌ها وارد آب‌های زیرزمینی شده است. در این موضوع با کارهایی که انجام دادیم خوشبختانه دادستان وارد ماجرا شد و در حال جمع‌آوری آن سایت هستند. قرار است سایت جدیدی با استانداردهای لازم ایجاد شود که با به سرانجام رسیدن این طرح مهم‌ترین دستاورد محیط زیستی ما پس از آگاهی‌رسانی و آموزش، این حرکت خواهد بود.

معتقدم برای حفظ بعضی از داشته‌ها هم مردم و هم نهادهای مربوط باید بیشتر تلاش کنیم مثلاً با اینکه محل زندگی سمندر لرستانی منطقه ماست، اما من از طریق دوستی در آلمان متوجه شدم دولت آلمان برای مطالعه درباره سمندر لرستانی ۱۰ میلیون یورو هزینه کرده است یعنی سمندر لرستانی را در باغ وحشی در برلین که فقط مخصوص دوزیستان است تکثیر کردند. فکرش را بکنید که آن‌ها برای یکی از داشته‌های ما آن گونه هزینه کردند اما ما اینجا این موجود ارزشمند را آن گونه که باید و شاید نمی‌بینیم و درباره زیستگاه‌هایی که این جانور در اندیمشک دارد کار و مطالعه جدی انجام نشده است.

فرصت چندانی نداریم و اگر به نقطه بدون بازگشت برسیم دیگر نمی‌شود کاری انجام داد. ای کاش پیش از آنکه دیر بشود برای بعضی از چیزها مثل سمندر لرستانی و بلوط‌ها کاری انجام داد.

آرزوی من این است به روزی برسیم که مثلاً مازوت نسوزانیم، در همین آذر ماهی که گذشت آتش جنگل‌های هیرکانی را سوزاند و این اتفاق نباید می‌افتاد یعنی باید تجهیزات لازم را داشته باشیم تا در نخستین ساعات آتش‌سوزی آن را مهار کنیم و این آرزوی بزرگی نیست، باید به قانون و بودجه برای آنچه داریم برسیم.

آن‌ها یک داشته ارزشمند بوده و به نوعی زندگی آن‌ها هم با این جنگل‌ها گره خورده است پس باید از آن مواظبت کنند. اگر ما گاهی می‌بینیم که آسیب‌هایی به جنگل‌ها وارد می‌شود آن‌ها آدم‌های بزهکاری هستند که حتی شاید از مناطق دیگر وارد جنگل بشوند مثلاً بعضی‌ها از شهر برای اینکه زغال تهیه کنند وارد جنگل می‌شوند و حتی گاهی چادر می‌زنند اما چون عرصه‌های وسیعی وجود دارد یافتن آن‌ها کار خیلی ساده‌ای نیست. هر چند در این یکی دو سال اخیر منابع طبیعی منطقه رئیس جدیدی دارد که خودش دانش‌آموخته همین حوزه است و پاسگاهی که پیش‌تر در اینجا ساخته شده بود را احیا کردند تا بتوانند با این معضلات بیشتر برخورد کنند و شکر خدا کارهایی انجام می‌شود.

با بچه‌ها هم کار کردیم

به نظرم مهم‌ترین کاری که قبلاً هم به آن اشاره‌ای شد و انجمن‌ها می‌توانند انجام بدهند بحث آموزش است یعنی شما هر چقدر در قالب انجمن به پاک‌سازی محیط بپردازید، هر چقدر درخت بکارید و کارهای ارزشمندی از این قبیل انجام بدهید اما تا وقتی که مردم آموزش لازم را نبینند و تا وقتی که محیط زیست به دغدغه آن‌ها تبدیل نشود باز هم در کاری که انجام می‌دید موفق نخواهید بود، برای همین سعی کردیم به سمت آموزش برویم و آدم‌ها را آموزش دهیم و به محیط زیست علاقه‌مند کنیم. مثلاً به مدرسه‌ای رفتیم و در آن مدرسه ۴۰ نفر آموزش‌های زیست محیطی دادیم.

از آن ۴۰ نفری که ما آموزش دادیم چهار نفر با ما همراه شدند و این چهار نفر سال‌های سال است که ما را در مسیری که در پیش گرفته‌ایم همراهی می‌کنند. قاعدتاً این چند نفر خودشان سفیر محیط زیست می‌شوند و روی زندگی آدم‌ها تأثیر می‌گذارند. این کمک می‌کند تا جمعیت دوستداران محیط زیست بیشتر و بیشتر بشود. سعی کردیم با آموزش آدم‌ها را آگاه کنیم و می‌توانم ادعا کنم با کاری که در بیش از ۱۰ سال در منطقه انجام داده‌ایم کمتر آدم ناآگاهی داشته باشیم که حالا نداند محیط زیست چقدر ارزشمند است، اهمیت درخت در چیست و چیزهایی از این قبیل. گفتم خیلی از آسیب‌های آدم‌ها به محیط زیست نه به خاطر دشمنی است بلکه از سر ناآگاهی است برای همین لازم است آگاهی افراد بالا برود. مثلاً اگر خواسته باشیم به یک نمونه بارز اشاره کنم این بوده که طرف درباره ارزش سمندر لرستانی چیزی نمی‌دانسته، اما در سال‌های اخیر هم به خاطر فعالیت‌هایی که انجمن ما در آگاه‌سازی مردم منطقه داشته و هم تلاش‌های ارزشمند دیگر انجمن‌های محیط زیستی حالا جوامع محلی بیشتر درباره این موجود ارزشمند اطلاع دارند و می‌دانند آن را نباید از بین



می‌توانیم بگویم ما در قالب انجمن دیده‌بان زاگرس برای بیش از هزار نفر درخت یادگاری کاشتیم و نکته جالب اینکه ما از یک درخت تا بیش از ۱۰ درخت به سفارش

یک نفر کاشته‌ایم. آموزش مهم‌ترین کار انجمن است ما در مسئله درختکاری برخلاف خیلی از جاها، پیش از کاشت درخت به فکر آبیاری و نگهداری از درخت هستیم. مثلاً گاهی در جایی درخت‌ها را کاشته‌ایم که سفارش‌دهنده خودش برای آبیاری درخت اقدام می‌کند چه با لوله‌کشی تا نزدیک درخت‌ها و چه به شکل‌های دیگر. ما حتی در خود زاگرس هم بلوط کاشتیم اما به مرور به این نتیجه مهم رسیدیم که حفظ همان درخت‌ها و جنگل‌های بلوطی که داریم خیلی مهم‌تر از این است که ما خواسته باشیم در زاگرس درخت بکاریم. متأسفانه به دلیل حضور دام در تمام عرصه جنگل‌های زاگرس، یک نقطه در زاگرس نداریم که گله‌داری نتواند وارد آن عرصه بشود برای همین زادآوری بلوط متوقف شده است. دام‌هایی که وارد جنگل می‌شوند بلوط‌هایی را که پای درخت‌ها می‌افتند می‌خورند یا حتی بلوط‌هایی را که تازه سبز شده‌اند از بین می‌برند.

فکرش را بکنید اگر یک بلوط سبز می‌شود همین که خواسته باشد کمی رشد بکند دام‌ها به خصوص بز آن را کامل می‌خورد. برای همین ما فکر کردیم اگر قرار است کار ماندگار و ارزشمندی برای بلوط‌ها انجام بدهیم باید همین داشته‌ها را حفظ کنیم. از طرفی به دلیل کهنسال بودن بلوط‌ها بیماری‌های مختلفی به جان این درختان ارزشمند افتاده است و چون زادآوری هم انجام نمی‌شود وضعیت خوبی در جنگل‌ها نمی‌بینیم.

با کارهایی که انجام شده که به نظرم مهم‌تر از همه آن‌ها آموزش است خوشبختانه الان عشایر ما توجه خوبی به این داشته‌ها دارند چون متوجه شده‌اند که جنگل برای

پیگیری کنیم. ما همه به دنبال آن بودیم که تأثیر هر چند کوچک خودمان را بر منطقه و مسائل زیست محیطی داشته باشیم. نخستین کاری که شروع کردیم هم پاک‌بانی بود یعنی در قالب گروه‌های ۴۰ و ۵۰ نفره مکان‌های شناسایی شده را تمیز می‌کردیم، اما پس از مدتی به این نکته مهم رسیدیم که پیگیری مسائل محیط زیست و مشخصاً مسئله آموزش می‌تواند

مهم‌ترین کاری باشد که یک گروه زیست محیطی آن را در دستور کار خود قرار دهد. مثلاً به دنبال این رفتیم که منشأ آلودگی هوای اندیمشک چیست و چه کاری می‌توان برای آن بین بردن یا لاقال کم کردن آن انجام داد؟ برداشت بی‌رویه شن از رودخانه‌ها یکی دیگر از مسائلی بود که پیگیر آن شدیم که با عنوان ماسه‌شویی انجام می‌شد. تا مسائل دیگری مثل مسئله درختکاری که من معتقدم مهم‌تر از اینکه خواسته باشیم درخت بکاریم این است که از درختان نگهداری بکنیم حتی از همین درخت‌هایی که ما آن‌ها را نکاشتیم اما به ما رسیده‌اند. درخت یادگاری یکی از کارهایی بود که در این سال‌ها پیگیر آن بودیم، با این کار تعدادی درخت به منطقه اضافه شد. در این طرح ما مردم را تشویق کردیم که در مناسبت‌های مختلف به نام خودشان، همسر، فرزند و هر کسی دوست دارند درختی اهدا کنند و آن درخت کاشته شود.

در شروع طرح، وقتی ما درخت می‌کاشتیم متوجه شدیم پس از مدتی تعداد کمی از درختان باقی می‌مانند. به این نکته رسیدیم که اگر قرار است ما ۱۰۰ درخت بکاریم و آن ۱۰۰ درخت از بین برود بهتر است ۱۰ درخت بکاریم اما آن ۱۰ درخت را به طور اصولی مدیریت کنیم تا از بین نروند. در همین روستای خودمان سرخان ما تعداد زیادی درخت یادگاری داریم که حالا چند ساله شده‌اند.